



آنقدر فیلم‌های بروسلی و جکی چان دیدم که به ورزش‌های رزمی علاقمند شدم کرمی: سرمربیگری ایران برایم رؤیای نیست

گفت و گو

فائزه زمانی
خبرنگار

سال‌های زیادی از خدا حافظی یوسف کرمی می‌گذرد اما هنوز ستاره‌ای به پر فروغی او در آسمان تکواندوی ایران ظهور نکرده است. او که با ورود به روی شیاپ چانگ، لوزه براندام حریفان می‌انداخت، در المپیک لندن ناباورانه باخت تا سناریوی خدا حافظی اش در اوج، با شکست مواجه شود. بعد از لندن به اصرار اطرافیان در تیم ملی ماند اما در بازی‌های آسیایی اینچئون هم دستش از مدال کوتاه ماند و این بار چهارگوشه شیاپ چانگ را برای همیشه بوسید. او حالا ۲ سالی است که سرمربی تیم ملی پاکستان است، برخلاف چیزی که خیلی‌ها فکرمی کردند پیشنهاد سرمربیگری تیم ملی ایران را نپذیرفت و همچنان به کارش در پاکستان ادامه داد. او از جمله کسانی است که افت تکواندوی ایران را قبول دارد و معتقد است ملی پوشان برای اعاده حیثیت و گرفتن مدال در المپیک پاریس، کار سختی دارند.

اولین روزی که پای‌تان را روی شیاپ چانگ گذاشتید، به خاطر دارید؟

اولین روز من پام را روی شیاپ چانگ نگذاشتم و روی موزاییک گذاشتم. آن زمان باشگاه مان تشک نداشت. خوب یاد می‌آید که یک روز بارانی در سال ۷۰ بود که با مادرم برای ثبت نام به باشگاه رفتیم.

زمانی که شروع کردید فکرس را می‌کردید روزی یوسف کرمی شوید؟

هیچ وقت... من تکواندو را در شهرستانی شروع کردم که امکانات نداشت؛ زمستان‌ها خیلی سرد بود و تابستان‌ها خیلی گرم. آنقدر فیلم‌های بروسلی و جکی چان نگاه کردم که به ورزش‌های رزمی علاقه‌مند شدم؛ اوایل بیشتر به عنوان تفریح به این رشته نگاه می‌کردم.

نه آن موقع و نه حتی الان استعدادیابی وجود ندارد و اتفاقی مسیر زندگی‌ام تغییر کرد.

معمولاً پسر بچه‌ها بیشتر سمت فوتبال می‌روند تا رشته‌های انفرادی، شما فوتبالی نبودید؟

بعضی روزهایی که تمرین داشتم، در مسیر باشگاه بچه‌ها را می‌دیدیم که در کوچه فوتبال بازی می‌کنند، من هم قاطعی می‌شدم و اصلاً فراموش می‌کردم که می‌خواستم به باشگاه بروم.

من یک مربی به اسم حسین اکرمی داشتم، وقتی دیر می‌کردم با موتور به دنبالم می‌آمد و من را از وسط فوتبال به باشگاه می‌برد، من هم می‌فهمیدم و پشت چراغ برق قایم می‌شدم که من را ببینند و برود اما او کار خودش را می‌کرد چون اعتقاد داشت تکواندو کار موفقی می‌شوم. اگر پیگیری‌های او نبود فکرمی‌کنم الان اینجا نبودم، همین اتفاقات کوچک است که می‌تواند موفقیت‌های بزرگ را رقم بزند، به همین خاطر من از او ممنونم.

سال‌ها گذشت و شما یوسف کرمی با کلکسیون از مدال‌ها و افتخارات شدید. برسیم به المپیک لندن که با آن باخت ناباورانه حذف شدید. در لندن دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟

المپیک لندن اتفاقی عجیب در زندگی من بود. بعد از آن باخت به بسیاری از دلایل عدم نتیجه‌گیری‌ای می‌بردم ولی نمی‌خواهم مفصل راجع به آن صحبت کنم. من ۶ ماه قبل از المپیک لندن

تمامی حریفانم را با اختلاف شکست داده بودم، کسی که به او باختم و نایب قهرمان المپیک شد، کسی بود که با اختلاف زیاد او را برده بودم. همانطور که همه در برد یک ورزشکار دخیل هستند، در باختش هم مقصرتند. هیچ‌کسی باخت من را باور نمی‌کرد و خودم هم شوکه بودم.

بعد از باخت در المپیک لندن، خودتان را مقصر دانستید، با گذشت این همه سال همچنان خودتان را مقصر می‌دانید؟

باز هم می‌گویم من خودم مقصر آن باخت بودم، چون یک ورزشکار حرفه‌ای بودم. بعد از باخت همه دنبال مقصر بودند و آن لحظه بهترین کسی که می‌توانستم تقصیرها را گردن او بیندازم خودم بودم. اگر بعد از باخت مصاحبه می‌کردم و می‌گفتم فلانی مقصراست، مطمئن باشید امواجی از اتهامات و انتقادات به سمت او می‌رفت، بنابراین سکوت کردم اما عوامل زیادی دست به دست هم داد که این باخت رقم بخورد.

افت تکواندوی ایران را قبول دارید؟

صد درصد. الان حرف‌ها معنایی ندارد و عملکردها خود گویای همه چیز است. هرکسی بگوید ما افت نداشتیم همه به او می‌خندند. اما

من به صراحت می‌گویم که عملکردمان اخیراً راضی‌کننده نبوده است. تکواندوکاران مان خود باوری قبل را ندارند و رقبا هم ترس‌شان از ایران ریخته است.

قبلاً بعد از مشخص شدن قرعه‌ها، رقبا خودشان جلوی من اعتراف می‌کردند که چقدر بدشانسیم که باید با تو مبارزه کنیم.

یعنی رقبا قبلاً اینقدر از ایران می‌ترسیدند اما الان این ترس‌شان ریخته است.

بیشتر رقبا پیشرفت کرده‌اند و ما کمی متزلزل شده‌ایم ولی رسیدن به آن نقطه آرمانی دور از دسترس نیست.

تغییر کادر فنی ۶ ماه مانده به المپیک به نفع تیم ملی بود؟

خیر. من همان موقع هم مخالفت خودم را اعلام کردم. بعد از مسابقات جهانی مکزیک که هنوز یک سال به المپیک مانده بود، وقت تغییر بود. این اتفاق نیفتاد تا اینکه ۶، ۷ ماه مانده به المپیک مغالور را برکنار کردند. تکواندوی ایران می‌تواند در المپیک پاریس مدال بگیرد؟

گرفتن مدال دور از دسترس نیست ولی کار سختی است. ما هیچ وقت برای گرفتن سهمیه تلاش نمی‌کردیم و همیشه دنبال مدال المپیک بودیم

اما حالا برعکس شده است که این اصلاً قشنگ نیست. امیدوارم بعد از ۲ دوره ناکامی در رده مردان بتوانیم در پاریس مدال بگیریم و این طلسم را بشکنیم.

شرایط ناهید کیانی را چطور می‌بینید، شاید اینطور به نظر برسد که او شانس بیشتری برای گرفتن مدال در المپیک دارد.

همه کسانی که در المپیک حضور پیدا می‌کنند نایب هستند. همین فشارها باعث می‌شود که ناهید کیانی در مسابقات پرزنت کاپ بازی را به یک تکواندوکار ایرانی واگذار کند.

ناهید کیانی پتانسیل بالایی دارد ولی نوسان زیادی هم دارد و افت و خیزش خیلی به چشم می‌آید که این در ورزش حرفه‌ای اصلاً خوب نیست.

کارتان با تیم ملی پاکستان چطور پیش می‌رود؟

علی‌رغم اینکه قراردادم ۱ ساله بود اما الان ۲ سالی است که سرمربی این تیم هستم. از عملکردم راضی بودند و همین هم باعث شد تا اینجای کار بمانم. من هم به خاطر سر بلند کردن نام ایران تمام تلاشم را می‌کنم و از وجود برای‌شان مایه می‌گذارم.

در این مدت نتایج خوبی گرفتیم و تکواندو به یکی از رشته‌های مهم‌شان تبدیل شده است.

پتانسیل گرفتن سهمیه در مسابقات گرنندپری را نداشتیم. کار تیم ملی پاکستان برای گرفتن سهمیه خیلی سخت است.

اما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم. رؤیای سرمربیگری تیم ملی ایران را هم دارید؟

این موضوع برای من رؤیای نیست چون به من پیشنهاد داده بودند اما صلاح دیدم که در این برهه مسئولیت نپذیرم. بهتر است از دلایلش چیزی نگویم ولی بالاخره هرکسی برای بله گفتن یا نه گفتن به موضوعی دلایلی دارد.

یک مقدار از فضای ورزش فاصله بگیریم. سال‌ها است که ازدواج کرده‌اید و اگر اشتباه نکنم دو فرزند دارید.

نه این صدای گریه که الان می‌شنوید، صدای سومی است. (با خنده) پدر بودن چه حسی دارد؟

عالی است. مثل ورزش است و هر چقدر می‌گذرد با بالاتر رفتن تجربه جذاب‌تر هم می‌شود.

چه آرزویی برای مردم ایران در سال جدید دارید؟

آرزوی قلبی‌ام این است که حال همه خوب باشد. شاید شعار به نظر برسد اما اگر حال همسایه من بد باشد روی حال من هم تأثیر خواهد گذاشت.

